

دانشگاه تهران

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

فعالیت‌های تعلیمی و تبلیغی عالمان دینی در سرزمین‌های

شرقی خلافت تا پایان قرن دوم هجری

استاد راهنما: دکتر احمد بادکوبه

استاد مشاور: دکتر محمد علی کاظم بیگی

نگارش: شیرین بهرامی

رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در

رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی

چکیده

مسلمانان ، فعالیتهای تعلیمی و تبلیغی خود را از شبه جزیره عربستان آغاز کردند و سپس در سرزمینهای مفتوحه به این فعالیتها ادامه دادند.

هدف از این نوشتار، شناخت فعالیتهای تعلیمی و تبلیغی مسلمانان در سرزمینهای شرقی خلافت از بدو ورود تا پایان قرن دوم هجری است. تا شناخت بهتر و دقیقتری از تحولات فکری و فرهنگی و نظام آموزشی مسلمانان حاصل گردد. در خلافت عمر بن خطاب ، مسلمانان عراق را فتح کردند و دو شهر کوفه و بصره را در این منطقه بنا نهادند. این دو شهر در ابتدا به صورت پادگان نظامی بودند و سپاهیان از این دو شهر به سوی سرزمینهای شرقی (امپراتوری ساسانی) اعزام شد . برخی از صحابه و تابعان برجسته ایی که ، همراه سپاه اسلام ، رهسپار سرزمینهای شرقی شدند و به تعلیم و آموزش قرآن و روایت حدیث در مساجدی که توسط فاتحان ساخته شده بود ، پرداختند و از رهگذر کوششهای ایشان ، بتدریج اسلام میان مردمان سرزمینهای مفتوحه گسترش یافت.

از میان نواحی فتح شده ، خراسان بیش از سایر نواحی از لحاظ علمی پیشرفت کرد و علمای بزرگی از این سرزمین برخاستند.

واژگان کلیدی : تعلیم و تبلیغ، سرزمینهای شرقی خلافت ، صحابه ، تابعان ،

محدثان

تقدير و تشكر

صفحه	فهرست مطالب
۱	مقدمه
۱۲	فصل اول: عراق
	۱- شهرهایی که توسط مسلمانان در عراق ساخته شد:
۱۴	۱-۱ بنای کوفه
۱۵	۲-۱ بنای بصره
۱۶	۳-۱ نقش تعلیمی - تبلیغی کوفه و بصره در بخش شرقی خلافت
۲۳	فصل دوم: نواحی شرقی
۲۴	۱-۲ خراسان
	۱-۱-۲ فعالیت‌های تعلیمی در شهرهای مهم خراسان
۲۸	۱-۱-۱-۲ مرو
۳۹	۲-۱-۱-۲ نیشابور
۴۳	۳-۱-۱-۲ بیهق
۴۵	۴-۱-۱-۲ بلخ
۴۹	۵-۱-۱-۲ هرات
۵۰	۲-۱-۲ فعالیت‌های تعلیمی جریان‌های فکری در خراسان
۵۱	۱-۲-۱-۲ مرجئه
۵۴	۲-۲-۱-۲ جهمیه
۵۵	۳-۲-۱-۲ شیعه

۵۹	۴-۲-۱-۲ خوارج
۶۰	۵-۲-۱-۲ دعوت عباسیان در خراسان
۶۳	۲-۲ ماوراءالنهر
	۱-۲-۲ فعالیت‌های تعلیمی در شهرهای مهم ماوراءالنهر
۶۴	۲-۲-۱-۱ بخارا
۶۸	۲-۲-۱-۲ سمرقند
۷۲	۲-۲-۲ فعالیت‌های تعلیمی جریانهای فکری در ماوراءالنهر
۷۶	۳-۲ سیستان
۸۰	فصل سوم: نواحی غربی ایران
	۱-۳ فعالیت‌های تعلیمی در شهرهای غرب ایران (جبال)
۸۰	۱-۱-۳ اصفهان
۸۹	۲-۱-۳ قزوین
۹۳	۳-۱-۳ ری
۹۶	۴-۱-۳ قم
۱۰۱	۵-۱-۳ همدان
	۲-۳ فعالیت‌های تعلیمی جریانهای فکری در نواحی غربی ایران:
۱۰۲	۱-۲-۳ شیعه
	فصل چهارم: فعالیت‌های تعلیمی نواحی در شمالی ایران

۱۰۵

۴-۱ جرجان

۱۱۴

۵- نتیجه گیری

۶- منابع و مآخذ

مقدمه

تبیین موضوع: دین اسلام از جمله ادیان تعلیمی و تبلیغی است . در قرآن کریم بحث تعلیم معنی بسیار وسیعی دارد و شامل تعالیم غریزی^۱ و وحیانی نیز می شود. اگر آموزش و تعلیم را به مفهوم انتقال دانسته ها و دانشها بدانیم که از سوی معلم به متعلم با شیوه ای خاص انجام می گیرد، با نزول اولین آیات وحی بر پیامبر اکرم (ص) ایشان مأموریت یافتند که آیات را بر مردم ابلاغ کنند^۲ و برای مردم تلاوت کنند^۳ و به عبارت دیگر مسولیت تعلیم و تزکیه آدمیان را یافتند^۴. پیامبر اکرم (ص) تعلیم را در خانه خود آغاز کردند و سپس به مردم قبیله و جامعه عرب روزگار خود گسترش دادند. نمونه های فراوانی از سیره پیامبر اکرم (ص) وجود دارد که ایشان رسماً به پیروان خود آیات وحی را آموزش می دادند^۵. بی تردید در اندک زمانی نو مسلمانان و پیروان آیین نبی اکرم (ص) خود معلم قرآن و دین جدید شدند و بر اساس تعالیم قرآنی مسولیت یافتند که آنچه از پیامبر می آموختند، به دیگران انتقال دهند. در دوره فعالیت های نومسلمانان در مکه صحابه رسول خدا مخفیانه و گاه علنی وظیفه تعلیم را بر عهده داشتند . به عنوان نمونه عبدالله بن مسعود (م ۶۶هـ) در مکه عنوان

^۱ اوحی ربک الی النحل ان ائخذی من الجبال بیوتاً من الشجر و مما یرشون (نحل/۶۸) .
^۲ فان تولوا فائما علیک البلاغ المبین (نحل/۸۲) و إما نرینک بعض الذی نعدهم أو نتوفینک فائما علیک البلاغ و علینا الحساب (رعد/۴۰).

^۳ ان اتلو القرآن فمن اهدت فائما یهدی لنفسه و من ضلّ فقل انما انامن المنذرین (نمل/۹۲).
^۴ هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یرزقهم الذی یتلوا علیهم و یرزقهم الذی یتلوا علیهم (جمعه/۲).
^۵ خانه ارقم بن ابی الارقم در همان آغاز دین جدید در مکه محل آموزش قرآن و آموزه های دین جدید بود (ابن سعد ، طبقات الکبری، ۲۲۰/۱ و ابن هشام ، سیره ۷۶/۲).

معلم قرآن را یافت^۱ و بعدها که اسلام در مدینه گسترش یافت ، عده این گروه از معلمان قرآن بیشتر شد^۲.

آموزش قرآن و دین جدید در هر مکانی می توانست اتفاق افتد، ولی مسجد و بویژه مسجد النبی در مدینه نمادی از فعالیتهای مذهبی ، اجتماعی ، سیاسی و آموزشی بود. چنانکه می دانیم پیامبر اکرم پس از هجرت به مدینه ، به منظور تشکیل جامعه اسلامی و استقرار نظام اعتقادی و اجتماعی اسلام ، به طور رسمی دولت اسلامی را در این شهر بنیان نهاد. طبیعی است که ایجاد چنین دولتی ، پرداختن به اموری نوین و بنیاد مؤسسات و طرح مسائلی جدید را ضروری می نمود ، که از جمله آنها تأسیس نهادهای اجتماعی ، جهت تجمع نیروها و مرکزی برای رسیدگی به مسائل مردمی و تبیین سیاست اسلام بود. بر این اساس پیامبر مسجد را به عنوان نخستین پایگاه و مجتمع مسلمین برای پرداختن به چنین اموری برگزید. به این ترتیب مسجد که خانه خدا و محبوب ترین مکانها در بین مسلمانان بود نه تنها به عنوان جایگاه اصلی مؤمنان برای برگزاری مراسم عبادی مورد استفاده قرار می گرفت بلکه قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می رفت . پیامبر اکرم به منظور دخالت مسلمانان در شیوه حکومت و آگاه ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را به عنوان پایگاه سیاسی اسلام برگزید. مسجد همچنین کانون تعلیم معارف و احکام اسلام بود و پیامبر اکرم مسجد بزرگ مدینه را پایگاه اصلی آموزش علوم و معارف

^۱ ابن سعد ، همان ، ۳/ ۱۵۰

^۲ پیامبر اکرم قبل از هجرت به مدینه مصعب عمیر را به عنوان معلم قرآن به مدینه فرستاد(ابن سعد ، همان ، ۱/ ۲۲۰ و ابن هشام ، همان ، ۲/ ۷۶).

اسلامی قرار داد و خود به عنوان نخستین معلم در این دانشگاه اسلامی در پرتو آیات قرآن کریم و بیانات آموزنده خویش به تعلیم و تربیت عرب آن روزگار پرداخت . مسلمانان در مسجد مدینه پس از ادای فرایض دینی و یا در فرصت های دیگر ، در حلقه های علمی که از سوی بعضی از بزرگان و علماء اسلام تشکیل می شد با اشتیاق فراوان شرکت می جستند و به فراگیری قرآن و معارف می پرداختند .

مسجد به عنوان نخستین پایگاه علمی در جامعه نوحاسته اسلامی رسالت خود را در انتشار علم و دانش و گسترش فرهنگ اسلامی آغاز و در این زمینه ، نقش بسیار مؤثری را ایفا کرد و به تدریج موجبات بحث علمی در آن فراهم گردید و همواره مسیر رشد و ترقی را پیمود؛ بدانسان که تا سده چهارم هجری به عنوان یکی از مهمترین مراکز دانش در جهان اسلامی همچنان فعال بود.

تشکیل حلقه های علمی در مساجد پس از رحلت رسول اکرم در روزگار خلفا و نیز در عهد اموی به وسیله فقهای صحابه و تابعین نه تنها در شبه جزیره عربستان بلکه در سرزمینهای مفتوحه ادامه پیدا کرد، زیرا مسلمانان به هر شهری که وارد می شدند، یکی از اولین کارهایی که در پیروی از سنت پیامبر انجام می دادند ، ساختن مسجد بود. در مساجد ساخته شده توسط مسلمانان ، صحابه ایی که همراه سپاه اسلام به نواحی مفتوحه آمده بودند ، به فعالیت های تعلیمی مشغول می شدند.

بن سعد در طبقه بندی جالبی که از محدثان بر اساس نواحی و شهرها انجام می دهد، به محدثان نواحی مختلف اشاره می کند و با بررسی زندگی و شرح حال

محدثان مختلف ، که همه آنان از صحابه و تابعین بزرگ بودند، ما را به این نتیجه می رساند که محدثان کما بیش در نقاط مختلف سرزمینهای فتح شده، پراکنده شدند .

چند سال بعد از رحلت پیامبر اکرم دیگر مدینه تنها پایگاه سنتی تعالیم دینی و تعلیم احادیث رسول خدا نبود، بلکه با حضور عالمانی از صحابه در شهرهای مکه، بصره ، کوفه ، دمشق و فسطاط ، پایگاهها جدیدی برای آموزشهای دینی ایجاد شد که پایه گذار مکتبهای فکری از علوم مختلف اسلامی مانند فقه ، قرائت قرآن ، تفسیر و کلام شدند. در این میان شهرهای تازه تأسیس بصره و کوفه دست کم تا قبل از تاسیس بغداد از نقش کلیدی در انجام فعالیتهای علمی در حوزه های شرقی فتح شده ، برخوردار بودند. این دو شهر اگر چه در ابتدا پایگاه بسیج نیروهای نظامی برای فتح سرزمینهای شرقی بودند، ولی با گذشت چند سال از ساختشان و با مهاجرت گروهی از علماء و دانشمندان چون حضرت علی ، ابن مسعود، ابوموسی اشعری از لحاظ علمی و فرهنگی آنچنان پیشرفت کردند که نه تنها محل تجمع سپاهیان اسلام و اعزام لشکریان به مناطق مفتوحه بودند ، بلکه به دلیل همراهی صحابه عالم و دانشمند ساکن در این دو شهر با سپاه اسلام در فتح نواحی همجوار، نقش بسیار مهمی در تعلیم و آموزش نومسلمانان مناطق مفتوحه داشتند. زیرا علماء و دانشمندانی که همراه لشکر اسلام به مناطق مفتوحه اعزام می شدند علاوه بر جهاد در راه خدا، رسالت دینی و وظیفه معلمی خود را نیز به جا می آوردند.

امروزه این سخن که گسترش عقیده و دین و هر مکتب فکری در میان سرزمینهای دیگر و نفوذ آن در میان قلوب مردم صرفاً با فتح نظامی و برکشیدن تیغ ممکن نیست ، چنان واضح و روشن می نماید که نیازی به اثبات ندارد. به عبارت دیگر فاتحان واقعی ، فاتحان نظامی و سیاسی نبودند، بلکه فاتحان اصلی آن مسلمانانی بودند که بی ادعا و بی هیچ هیاهو در یک فعالیت دراز مدت به کار آموزش و تعلیم نومسلمانان (مهاجر و بومی) در شهرهای فتح شده ، می پرداختند.^۱

ضرورت پژوهش: بی تردید آغاز تعلیم و تربیت اسلامی و به عبارت دقیقتر فعالیتهای تعلیمی صحابه و تابعین و تابع تابعین به سالهای نخستین تاریخ مسلمانان بر می گردد. شناخت دقیق تحولات فکری و فرهنگی و نظام آموزشی مسلمانان بدون اطلاع و تحقیق از سرآغازها و سرچشمه های آن در دهه های نخستین بنای نا استواری را فراهم می سازد. از سوی دیگر می دانیم که شناخت بهتر و دقیق تر نظام آموزشی مسلمانان در سالهای نخستین ما را به شناخت بهتر تمدن اسلامی راهنمایی می کند. از این دو مقدمه می توان به ضرورت و اهمیت مطالعه و تحقیق درباره نظام تعلیمی مسلمانان در دو قرن اول و دوم هجری پی برد و گر چه تحقیق در این حوزه بسیار پر پیچ و خم و پر لغزش است، ولی چاره ای جز پیمودن آن نیست و هدف نگارنده با انتخاب این موضوع برای پایان نامه و گام نهادن در این حوزه ، نه برای اظهار جرأت و جسارت خود و نه برای اثبات داشتن بضاعت علمی

^۱ شاید از همین رو باشد که گزارشهای مربوطه به گروه فاتحان حقیقی در منابع بسیار اندک و نادر است و در عوض از فاتحان نظامی همه جا سخن رفته است.

در این حوزه است، بلکه صرفاً به جهت علاقه به دانستن و یافتن مطالبی در این حوزه بوده است .

مفاهیم اصلی موضوع: این رساله با عنوان « فعالیتهای تعلیمی و تبلیغی عالمان

دینی در سرزمینهای شرقی خلافت تا پایان قرن دوم هجری» در بردارنده قیدهایی است که ایضاح و شرح آنها ضروری به نظر می رسد.

قید فعالیتهای تعلیمی و تبلیغی به این منظور در این رساله بکار رفته است که جدا سازی این نوع فعالیتها در دوره مورد بحث ، بسیار دشوار و حتی نشدنی می باشد و صحابه و تابعین تمایزی برای فعالیتهای خود قائل نمی شدند. با اینهمه مقصود نگارنده این بوده است که اگر صحابی رسول خدا خطبه ای ایراد کرده است، فعالیت او به حساب فعالیت تبلیغی و آموزش عمومی گذاشته شود، اما اگر در جمع و حلقه ای منظم که در زمان و مکان خاصی بر پا می شده ، حدیثی از سخن پیامبر اکرم نقل کرده است و یا در حلقه ای آیتی از قرآن را تعلیم داده است به حساب فعالیت تعلیمی و تاحدی فعالیت رسمی آموزشی گذاشته شود.

تاکید بر واژه عالمان دینی و پرهیز از کاربرد صحابه و تابعین از آن رو بوده است که صرف مصاحبت با رسول خدا و نقل چند حدیث نمی توانست ، ملاک درست و دقیقی برای بررسی موضوع فعالیتهای آموزشی باشد، از این رو نگاه ابن سعد در طبقه بندی علمی صحابه و تابعین و تابع تابعین که به علماء و محدثین و طبقه بندی آنان می پردازد، می تواند راهگشای مطالعاتی از این دست باشد. بنابراین در این

پایان نامه بر شرح حال و زندگی علمی آن دسته از صحابه و تابعینی تاکید شده است که بیش از دیگران ملجأ علمی نو مسلمانان بودند و اینان عالمان دینی تلقی شده اند. منظور از سرزمینهای شرقی خلافت در این پایان نامه بررسی همه شهرها و مراکز جمعیتی سرزمینهای شرقی خلافت نیست ، بلکه در گام نخست به مناطق و شهرهایی پرداخته شده است که اطلاعات اولیه برای پرداخت به یک نوشته تحقیقی در مورد آنها موجود باشد. از این رو از مناطق و شهرهای سرزمینهای برخی از مناطق و شهرها مانند خراسان، ماوراءالنهر ، جبال و... گزینش شده اند.

از آنجا که عراق به ویژه دو شهر بصره و کوفه فقط دو پایگاه نظامی تلقی نمی شدند ، بلکه این دو شهر در فرستادن عالمان و مبلغان دینی به مناطق و شهرهای ایران ، نقش مهمی را عهده دار بودند و از سوی دیگر خود مرکز پرورش و تعلیم نومسلمانان ایرانی بودند ، بنابراین در ابتدای پایان نامه ، فصلی به عراق اختصاص داده شده است تا تذکاری برای اهمیت دو شهر کوفه و بصره برای پشتیبانی علمی و تبلیغی نواحی شرقی فتح شده ، باشد.

در این رساله بخشی نیز به فعالیتهای تعلیمی و جریانهای فکری که در قرنهای اول و دوم در سرزمینهای شرقی جریان داشتند ، اختصاص داده شده زیرا با مطالعه در روش و نحوه عملکرد آنها استنباط شد که اگر چه اکثر این جریانهای فکری در مخالفت با دستگاه خلافت به قیامهای نظامی تبدیل شدند ولی شکل گیری افکار و اندیشه های آنها توسط علماء و دانشمندان صورت گرفت ؛ چنانکه در جهم بن

صفوان در خراسان پایه گذار اندیشه جهمیة شد و رهبری فکری قیام حارث بن سریق را به عهده گرفت^۱ و همچنین تعدادی از علمای ساکن در این نواحی با گرایش به این جریانهای فکری به حمایت و طرفداری از آنها پرداختند به عنوان مثال خارجه بن مصعب (م ۱۶۸هـ)، مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰هـ)، ابراهیم بن طهمان (م ۱۶۳هـ)، سلم بن سالم بلخی (م ۱۷۴هـ) و ابوحمزه سکری (م ۱۶۸هـ) از طرفداران مرجئه بودند و همچنین حضور علمایی چون بریده بن حصیب (م ۶۲ یا ۶۳)، علقمه بن قیس (م ۶۸هـ)، جعده بن هبیره، و یحیی بن یعمر (م ۹۰هـ) در خراسان که از یاران حضرت علی (ع) بودند در آشنایی مردم خراسان با افکار و عقاید حضرت علی (ع) و شیوه برداشت ایشان از مضامین آیات قرآن و احادیث رسول اکرم، تأثیر به سزایی داشت^۲. و همچنین ورود اشعریان به قم در اواخر قرن دوم به قم باعث شد که این شهر به مرکزی برای فعالیتهای تعلیمی شیعیان تبدیل شود و فکری شیعی در این شهر رواج یابد^۳.

پیشینه تحقیق: گرچه با جستجوی فراوان، کتاب یا رساله مستقلی در این حوزه یافت نشد، اما مطالب پراکنده ای در مقالات مربوط به شهر حال صحابه از جمله مقاله ابن مسعود و مقاله ابن اسحاق و مقاله اسلام در دایرة المعارف بزرگ اسلامی و مقاله بصره در دانشنامه جهان اسلام به دست آمد. مطالب جسته و

^۱ رک همین رساله، ۴۴

^۲ رک همین رساله، ۴۶

^۳ رک همین رساله، ۷۶ و ۷۷ و ۷۸